



وظیفه‌مندی والدین در تربیت جسمانی کودک از منظر آموزه‌های فقهی

حوریه محسنی (نویسنده مسئول)*

راضیه ناطقی**

چکیده

تربیت، فرایند پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادهای گوناگون انسان‌ها در ابعاد مختلف آن با اصول و برنامه‌ای از پیش تعیین شده است، به گونه‌ای که انسان در حرکت آزادانه و آگاهانه با پذیرش درونی، رشد و بالندگی خویش را در مسیر حرکت به کمال و ارزش‌های مطلوب استمرار بخشد. تربیت انواع مختلفی دارد که یکی از آنها تربیت جسمانی است. از سویی، دوران کودکی یکی از دوره‌های سرنوشت ساز کودک است. در این مرحله لازم است کودک به طور صحیح تربیت شود، از این رو والدین موظف هستند تمام نیازهای مادی و معنوی کودک را برطرف نمایند تا زمینه رشد و کمال‌یابی استعدادهای او فراهم گردد این پژوهش، از منظر توصیفی-تحلیلی، و گردآوری کتابخانه‌ای، با هدف تبیین وظایف والدین در تربیت جسمانی کودکان در آموزه‌های فقهی، آیات و روایات مربوطه را بررسی کرده است. رضاع (شیردادن)، حضانت، نفقه و تربیت بدنی از مهم‌ترین مباحث حوزه تربیت جسمانی کودکان است که در پژوهش حاضر وظایف والدین در این زمینه از منظر فقهی مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: تکلیف، والدین، تربیت بدنی، حضانت، نفقه، کودک، فقه.

* دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان/

horiamohsinyv@gmail.com

** دانش‌پژوه دکتری فقه و معارف اسلامی (گرایش کلام) جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان /

Raziye_Nateghi@miu.ac.ir



مقدمه

انسان موجودی دارای دو بعد جسمانی و روحانی است و توانمندی‌های زیادی دارد که برای شکوفایی آن نیاز به تربیت دارد. تربیت اقسام مختلفی دارد؛ یکی از زیر ساخت‌ها در به فعلیت رساندن استعدادها و توانمندی‌های وی تربیت جسمانی است که در آن از مسئولیت متولیان کودک در راستای تأمین نیازهای مادی و طبیعی کودک و مربی سخن می‌گویند. نوشتار پیش رو در پی بررسی فقهی وظیفه مندی والدین در تربیت جسمانی کودکان است و در تلاش است به این سؤال پاسخ دهد: «وظیفه والدین در تربیت جسمانی کودک از منظر آموزه‌های فقهی چیست؟»

در منابع فقهی بحث تربیتی جسمانی کودک از منظر فقه در کتاب فقه تربیتی و تربیت فرزند با رویکرد فقهی آیت الله اعرافی ارائه شده است. همچنین کتاب‌ها و مقالات مستقل در این زمینه نگاشته شده است که کتاب‌های «رشد جسمی و روحی کودک از القاح تا دو سالگی: همراه با نکات تربیتی مفید» اثر بنفشه پزشک، «مبانی جامعه‌شناسی ورزش» اثر اتماروایس، ترجمه کرامت الله راسخ و... از آن جمله است.

برخی از مقالات مرتبط عبارت‌اند از: «پژوهش روش‌های تربیت جسمانی در قرآن» اثر عنایت شریفی، «رابطه فقه قرآن و تربیت جسمانی» اثر عباس کوثری، «بررسی فقهی بهداشت جسمی کودکان پس از تولد» اثر محمد قاسم رجایی و...

این پژوهش به شیوه گردآوری کتابخانه‌ای و نگارش تحلیلی توصیفی با بررسی آیات و روایات و با هدف تبیین جایگاه تربیت جسمانی کودک از منظر فقه با بررسی آیات و روایات و وظیفه مندی والدین در تربیت جسمانی کودک انجام شده است و حکم فقهی حضانت، نفقه، رضاع و تربیت بدنی را بیان می‌کند. در ابتدا به تعریف واژه‌های تربیت، جسم، فقه و تربیت بدنی پرداخته شده است، سپس اهداف تربیت جسمانی و وظیفه والدین را بیان کرده است.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. تربیت

«تربیت» در لغت از ماده ربو و در باب تفعیل به معنای زیاد و فزونی می‌باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱/ ۱۱۴)

تربیت در زبان فارسی به معانی «پروردن، آداب و اخلاق را به کسی یاد دادن، آموختن و پرودن کودک تا هنگام بالغ شدن» نیز به کار رفته است و در زبان عربی، واژه «التربیه» مصدر باب تفعیل است. این واژه از «ربب» و «ربو» سرچشمه گرفته است. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱/ ۱۸۸)

در تعریف دیگری آمده است در لغت کلمه تربیت عبارت است از: پرورش دادن، نیروی بالقوه را به فعلیت رساندن. (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۲۰/ ۲۰۰)

همچنین آمده است تربیت به معنای انجام اقداماتی است که نتیجه آن منتهی به رشد کمی و کیفی چیزی شود. (پاکنهاد، ۱۳۹۵: ۳۷)

در اصطلاح نیز تعاریف گوناگونی از تربیت ارائه شده است که عبارت‌اند از:

تربیت عبارت است از انتخاب رفتار و گفتار مناسب، ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به شخص مورد تربیت تا بتواند استعدادهای نهفته اش را در تمام ابعاد وجود و بطور هماهنگ پرورش داده، شکوفا ساختن جسمانی به سوی هدف و کمال مطلوب تدریجاً حرکت کند. (وزیری، ۱۳۸۷: ۱۹۲)

تربیت عبارت است از فعالیت منظم و مستمر جهت به رشد جسمانی، شناختی، اجتماعی، اخلاقی و عاطفه‌ای افراد به گونه‌ای که نتیجه آن در شخصیت مربی به ویژه در رفتار او ظاهر خواهد شد. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷: ۱۲)

«ژان شاتو» می‌نویسد:





تعلیم و تربیت، فتح مداوم است بدون اینکه سنین گذشته مورد انکار واقع شود. تعلیم و تربیت، فتح وجود خویشتن به کمک ادب و نزاکت به معنای وسیع آن با دانستن آداب معاشرت فرق دارد. آدم تربیت شده کسی است که بلد باشد با عقل، نیروهای شدید و شبه حیوانی طبیعتش را با هدایت آنها به نقطه کمالشان مورد استفاده قرار دهد....

بنابراین تربیت کردن یاری کردن کودک است تا به شخصیت آزاد و منضبطی که همان موجود اخلاقی است برسد، یا بهتر بگوییم: آن را در خود بسازد. (محمدیان، رحیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۹)

تربیت را هم اجمالاً می‌توان چنین تعریف کرد: «فرایند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی، به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود». در این فرایند دو سویه، مربی اثرگذار است و متربی اثرپذیر؛ گرچه متربی هم می‌تواند اثرگذار باشد، اما بیشتر اثرپذیری وی در این روند ملحوظ است. (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۹: ۱۵۴/۸)

۱.۲. مفهوم جسم

«جسم» در اصل واژه عربی است و در فارسی به معنای تن، بدن، کالبد و در مقابل روح و جان به کار می‌رود و نیز به معنای آن چه که دارای حجم و وزن است و فضایی را اشغال می‌کند آمده است. منظور از جسمانی هر چیزی است که منسوب به جسم باشد. (انوری، ۱۳۷۸: ۳/ ذیل واژه جسم و جسمانی)

در زبان عربی منظور از جسم امری محسوس و هر چیزی است که فضا را اشغال کند؛ پس اعم از جسم انسان، حیوان، نبات و جماد است. مفهوم جسم از این نظر نیز وسعت مفهومی دارد که در آن نه وجود و فقدان روح لحاظ شده است و نه شکل و هیئت مخصوصه، چه

اینکه در عربی بر شیء فاقد روح «جسد» اطلاق می‌شود (اعراف: ۱۴۸) از چیزی که دارای هیئت خاصی باشد به «جثم» تعبیر می‌شود. (هود/ ۶۷)

۳.۱. تربیت جسمانی

تربیت جسمانی را که ترکیبی از واژه تربیت و جسمانی است می‌توان این‌گونه تعریف کرد:

تربیت جسمانی عبارت است از فراهم کردن زمینه‌های رشد جسمانی و تأمین نیازهای طبیعی و مادی (اعم از تغذیه، ورزش، پوشاک و دیگر هزینه‌های زندگی کودک) پس در این مبحث وقتی سخن از تربیت جسمانی به میان می‌آید منظور آن است که از منظر فقه متولیان امور کودک در قبال تربیت جسمی و مادی کودکان یک سلسله وظایف فقهی مشخص دارند. یعنی رسیدگی‌ها و سرپرستی‌ها نسبت به رشد جسمانی و تأمین نیازهای طبیعی و مادی است. (اعرافی، ۱۳۹۳: ۱/ ۲۶-۲۷)

۴.۱. مفهوم ورزش

ورزش فعالیت بدنی سازمان‌یافته‌ای است که برای تقویت قوایی جسمانی و کسب مهارت‌های حرکتی انجام می‌شود. (انوری، ۱۳۷۸: ۸ / ۸۲۰۵) و کلمه ورزش در زبان انگلیسی و فرانسه معادل Sport است. ریشه لغوی آن Disport به معنایی دگرگونی و تغییر است. علت اطلاق این واژه با چنین معنا و مضمون بر ورزش آن بود که مردم رهگذر ورزش و فعالیت‌های ورزشی از مشاغل و فعالیت‌های کاری خود به سرگرمی و تفریح روی می‌آوردند و در واقع نوع فعالیت خود را تغییر می‌دادند. (انورالخولی، ۱۳۸۳: ۳۲)

۴.۲. اهداف تربیت جسمانی

در نظام تربیتی اسلام پرورش جسم و بدن به عنوان مقدمه برای تربیت روح و عقل می‌باشد و خودش هدف و غرض مستقل نمی‌باشد و مهم‌ترین این اهداف عبارت‌اند از:



۲.۱. قدرت انجام عبادت و پرستش خدا

یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف تربیت بدنی و جسمانی در اسلام پرستش و عبادت خدا است. اگر اسلام به بهداشت طهارت و غسل‌های گوناگون دستور می‌دهد و اگر استفاده از غذاهای پاکیزه و سالم را توصیه می‌کند و اگر تفریحات سالم و ورزش‌های مشروع توجه دارد، همه این‌ها به خاطر این است که یک فرد مسلمان از تن و جسم خود وسیله سازد و تخلق به اخلاق الهی پیدا نماید. توانایی و قدرت انجام عبادت همانند نماز، روزه، حج، جهاد و... قدرت استطاعت بدنی با ضعف بدن و ابتلاء به انواع بیماری‌ها و گرفتاری‌ها انجام هیچ کاری از انسان ساخته نیست. (حسینی ادیانی، ۱۳۷۹: ۳۹)

۲.۲. خدمت به خلق و افراد جامعه

یکی از اهداف تربیت بدنی در اسلام خدمت به مردم و دستگیری از قشر ضعیف و مستضعف جامعه می‌باشد. انسان باید توانایی و قدرت بدنی و سلامتی را صرف گره گشایی از مشکلات افراد جامعه و گرفتن دست افتادگان نماید.

خداوند در مورد حضرت طالوت و ملاک گزینش او به عنوان فرمانده و زمامدار بنی اسرائیل در مبارزه با جالوتیان می‌فرماید: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (پیامبر بنی اسرائیل) گفت: خدا او (طالوت) را بر شما برگزیده و او را در علم و قدرت (قدرت) جسم وسعت بخشیده است. (بقره: ۲۴۷)

۲.۳. نشاط، طراوت و سرزندگی

داشتن نشاط و طراوت و سرزندگی از عوامل موفقیت یک فرد در کارهایش است و زندگی مردان موفق و بزرگ تاریخ نیز این حقیقت را نشان می‌دهد. پرورش تن و پرداختن به جسم می‌تواند یکی از راه‌های تحصیل این حالت باشد و انسان باید هدفش از پرورش جسم ایجاد



ظرف‌های پاک و سالم و توانا برای پذیرش مظروف عاملی و الهی و انسانی بوده و به انگیزه دور نمودن خستگی و خمود و کسالت باشد.

در روایتی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم: «إِيَاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ مَنْ كَسَلَ لَمْ يُوَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجَرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلَى حَقٍّ»؛ از تنبلی و تنگدل بپرهیز که این دو کلید هر بدی باشند. هر کسی تنبلی کند نمی‌تواند حقی را بپردازد و هر که دل‌تنگ شود برحق شکیبیا نخواهد بود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷۵/۷۸)

۴.۲. تحصیل و حفظ عافیت و سلامت جسم

سلامت جسم و عافیت یکی از نعمت‌های الهی است و کسی که سلامت و عافیتش را از دست می‌دهد یکی از شاخه‌های سعادت را از دست می‌دهد که همان داشتن بدن سالم، قوی و ورزیده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَ كَانَ عَيْشُهُ كِفَافًا»؛ خوشا به حال کسی که تسلیم [رضای خدا] باشد و زندگی اش به قدر کفاف. (کلینی، ۱۴۷۰: ۱/۲)

(۱۴۰)

همچنین در این باره امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ وَ أَشَدُّ مِنَ الْفَاقَةِ مَرَضُ الْبَدَنِ وَ أَشَدُّ مِنْ مَرَضِ الْبَدَنِ مَرَضُ الْقَلْبِ؛ أَلَا وَ إِنَّ مِنَ النِّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ، وَ أَفْضَلُ مِنَ سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَ أَفْضَلُ مِنْ صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ». (دستی، ۱۳۸۳: حکمت

(۳۳۷)

امام علی علیه السلام فرمود: بدانید که یکی از بلاها ناداری است و بدتر از ناداری، بیماری تن است و سخت تر از بیماری تن، بیماری دل است. بدانید که یکی از نعمتها گشایش در مال است و برتر از گشایش در مال، تندرستی است و برتر از تندرستی، پرهیزگاری دل است. (نهج البلاغه: حکمت ۳۸۱)



۲.۵. کسب کرامت‌های اخلاقی

از آنجا که جسم و روح نسبت به همدیگر همانند ظرف و مظهر هستند، هدف انسان باید از سالم‌سازی و پرورش ظرف، جا دادن مظهر پاک و متعالی و کمالات و قضا اخلاقی باشد و انسان در تربیت بدن نباید تنها به بهسازی و بدن‌سازی و مهارت و تخصص در یکی از رشته‌های ورزشی اکتفا نماید، بلکه هدف اصلی او از تربیت و پرورش جسم باید کسب کمالات و متکات فاضله اخلاقی و دفع رذایل اخلاقی باشد. (همان)

۳. اهمیت و جایگاه تربیت جسمانی

انسان از نظر خلقت برترین مخلوقات است که در نتیجه تربیت جسمی و روانی می‌تواند به مرحله کمال دست یابد.

سلامت جسمی و روانی لازمه حیات هر انسان است و تربیت بدنی می‌تواند بخشی از رسالت حفظ حیات زیستی انسان را بر عهده بگیرد. حفظ سلامتی ابعاد مختلفی دارد که بخشی از آن توسط فعالیت‌های بدنی و استفاده از مواد غذایی مناسب و رعایت بهداشت و... تأمین می‌شود. اهمیت تربیت جسمانی به دلیل بهداشت و سلامتی فردی از همین جا ناشی می‌شود. هر چند نقش سلامت و بهداشت آحاد جامعه در زندگی اجتماعی افراد نیز شکل‌گیری جامعه سالم و ایمن انکارناشدنی است.

رسیدگی به رشد و نمو کودکان و مراقبت از سلامتی و بهداشت فرزندان در سنین کودکی، اهمیت بسیار دارد و خانواده اولین و مهم‌ترین جایی است که کودک رشد می‌کند. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۷۵) و هر جا که حیات است حرکت هم هست و تربیت بدنی یکی از قدیمی‌ترین مواد درسی همه دوره‌های تحصیلی است که از طریق آموزش فعالیت‌های حرکتی و ورزشی نقش عمده‌ای در تربیت کودکان و جوانان پیدا کرده است. عبادت، مطالعه، تفکر و... از اعمال و فعالیت‌هایی هستند که نیاز به انرژی جسم دارند و در عوض انرژی‌های دیگر به

روح و روان یادگیرنده می‌دهند. بدن و جسم برای تأمین انرژی انواع فعالیت‌های آدمی به تندرستی و سلامت عملکرد دستگاه‌های مختلف بدن نیاز دارد که همه این‌ها به واسطه فعالیت‌های بدنی و غذاها تحقق می‌یابد که امروز کم تحرکی و زندگی ماشینی و غذاهای فست فود و... زمینه‌ساز بسیاری از ناهنجاری‌های عضلانی اسکلتی است و اضافه شدن وزن و کاهش حجم تنفسی را در دانش آموزان به همراه دارد. از سوی دیگر، چاقی در کودکان یکی از دلایل مهم و شایع بیماری‌ها از جمله بیماری‌های قلبی عروقی می‌باشد.

سلامت شخصیت انسانی و توانایی جسمانی بر دو پایه اساسی پرورش درست فرزندان است، زیرا عقل سالم در بدن سالم است و لازمه عمل به مسئولیت‌های زندگی برخورداری از توانای‌های جسمی است و ضعف و سستی جسمی مانع از قیام به بسیاری از مسئولیت‌ها می‌شود. (زحیلی، ۱۳۹۴: ۴۲-۴۱)

خداوند متعال بر بندگان خود به خاطر برخوردار نمودن آن‌ها از بهترین خلقت و آفرینش منت نهاده و فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»؛ ما به راستی انسان را از نظر جسم و روح در بهترین شکل و زیباترین سیما آفریده ایم. (تین: ۴)

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ الْقَوِيُّ خَيْرٌ وَأَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ؛ مؤمن نیرومند نزد خداوند بهتر و محبوب تر است از مؤمن ضعیف است». (ابن حجاج، ۱۴۱۲: ۵۶/۸)

همچنین تربیت بدنی در بُعد اجتماعی باعث ارتقایی روابط اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، هدایت و رهبری کار گروهی، امید به آینده و امید به زندگی آنان می‌شود. همچنین قرآن نیز در قدرت و سلامتی جسم تأکید کرده و می‌فرماید:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفَ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ»؛ هر نیرو و قدرتی دارید آن را در مقابله با آن‌ها (دشمنان) آماده سازید! و همچنین



اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن دشمنان خود و دشمنان خدا را بترسانید. (انفال: ۶۰)

قرآن در این آیه از مسلمانان می‌خواهد که نیرومند و تندرست باشند تا در برابر کفار مقاومت و ایستادگی کنند و آنان را از تجاوز به حریم اسلام بترسانند) به بیان دیگر وقتی تربیت جسمانی بعد اجتماعی به خود می‌گیرد وجه ارتباطی آن مورد نظر است که در غنی ساختن تعامل میان افراد، تأثیر می‌گذارد و بار فرهنگی و ارزشی خاصی را باز می‌تاباند. به ویژه اگر این فعالیت‌ها به صورت دسته جمعی یا گروهی مانند ورزش‌های رایج امروز که تحت نظر نهادهای خاص امروز تربیت بدنی و... صورت می‌پذیرد، که هم هنجارساز است و هم هنجارپذیر. به همین دلیل برخی معتقدند ورزش، ساختاری فرهنگی و اجتماعی است که در چارچوب آن نظام ارزشی و فرهنگی و خصوصیت‌های اجتماعی و فرهنگی یک جامعه به طور برجسته نمایش داده می‌شود؛ یعنی نظام ارزشی و هنجار که بنیان جامعه‌ای است معین است، در ورزش این جوامع منعکس می‌شود. (اتماروایس، ۱۳۸۹: ۲۸)

۴. وظایف والدین در تربیت جسمانی کودک

واقعیت این است که هیچ‌گاه انسان خالی از وظیفه نیست و در هر زمان و مکان و هر شرایطی که باشد یک سری تکالیفی اعم از وظایف دینی، خانوادگی و اجتماعی گریبان‌گیر اوست. چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمود: «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیت»؛ همه شما در حیطة قدرت و سرپرستی خود نسبت به افرادی که اداره امور آنان را به عهده دارید، مسؤول هستید. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲ / ۳۸) البته مسئولیت انسان با توجه به گستره قدرت و فرمانروایی‌اش متفاوت است، مانند پدر و مادر که هر کدام وظیفه‌ای دارد و ما در اینجا به برخی از مهم‌ترین وظایف ایشان در تربیت جسمانی کودکان در ۴ محور می‌پردازیم.

۴.۱. حضانت

«حضانت» واژه‌ای عربی به معنای در آغوش گرفتن و در دامن قرار دادن است و به مربی کودک نیز حاضن یا حاضنه می‌گویند. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۱۲۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۶: ۳/۱۰۵) این واژه در فارسی به معنای مسئولیت و مراقبت از کودک است. (انوری، ۱۳۷۸: ۳/۲۵۳۹)

کاربردهای اصطلاحی این واژه در فقه و حقوق با معنای لغوی آن شباهت دارد. حضانت در اصطلاح حقوق، به معنای اقتدار است که قانون برای نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر عطا کرده است. (کانوزیان، ۱۴۰۱: ۲/۱۳۹) در تعریف دیگر عبارت است از: «نگهداری مادی و معنوی طفل از سوی کسانی که قانون مقرر داشته است». (لنگروی، ۱۳۹۴: ۲۱۶) اولین بار شیخ طوسی واژه حضانت را در کتاب خلاف و مبسوط در مصطلح فقهی آورد و سپس فقهای دیگر از این واژه استفاده کردند. (طاهرینیا، ۱۳۸۹: ۲۵) حضانت در فقه عبارت است از ولایت و سلطه بر تربیت طفل و امور متعلق به آن مانند نگهداری، خوابانیدن، سرمه به چشم کشیدن، نظافت، شستن لباس و... (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۱/۲۸۳) در مفهوم حضانت نوعی مواظبت و اهتمام به تمام شئون کودک، نهفته است که رسیدگی به امور زیستی و اقدامات مربوط به تربیت جسمانی وی، از اصلی ترین اقدامات است. در ادامه، دلایل اثبات وظیفه والدین در حضانت فرزند را بررسی می‌کنیم:

۱. اولین دلیل برای اثبات وظیفه والدین در رسیدگی به امور جسمانی فرزندان آیه ششم سوره طلاق است. این آیه درباره زنان مطلقه است: «أَسْكُنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكُنْتُمْ مِنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارَّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمِّرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِن تَعَاَسَرْتُم فَسْتَزِيعُ لَهُ أُخْرَىٰ». (طلاق: ۶)





(زنانی که طلاق رجعی دهید تا در عده‌اند) آن‌ها را در همان منزل خویش که میسر شماست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج در افکنید (که به ناچار از حق خود بگذرند) و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید آن‌گاه اگر فرزند شما را شیر دهند اجرتشان را بپردازید و (در کار فرزند) میان خود به نیکی مشورت و سازش کنید و اگر با هم سختگیری کنید (مادر صرف نظر کند تا) زن دیگری او را شیر دهد).

ملاحظه می‌شود که تأکید آیه بر تعامل و هماهنگی والدین در تربیت و رشد کودک و رسیدگی‌های لازم برای کودک است. درباره وجه استدلال به آیه پرسشی مطرح می‌شود که از این آیه چگونه می‌تواند وظیفه والدین را در حضانت از فرزند اثبات کند؟ آیه می‌فرماید که در سامان دادن به نیازهای فرزند و رسیدگی به امور وی، بر والدین واجب است که هماهنگی و مشورت داشته باشد. این امور، همان موارد ناظر به نیازهای مادی و معنوی کودک است و رسیدگی‌های جسمانی، بهداشت، تغذیه، درمان و... قدر متیقن آن محسوب می‌شود. با این توضیحات روشن می‌شود که پیش فرض وجوب مشورت در امور فرزندان آن است که والدین مسئول سرپرستی و تأمین نیازهای مادی و معنوی وی هستند. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/ ۱۸۰)

دلیل دیگر بر مسئولیت والدین در حضانت و سرپرستی فرزندان، روایاتی است که برای تأدیب کودک، مراحل دوگانه یا سه‌گانه‌ای بیان کرده‌اند. این روایات وظیفه والدین را در مرحله اول (دوران کودکی اول) با تعابیر نشان داده‌اند که با حضانت و رسیدگی‌های مادی و بدنی تناسب دارد. شماری از روایات بررسی می‌شود:

۲. موثقه یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «أَمَهْلُ صَبِيكَ حَتَّى يَأْتِيَ لَهُ سِتُّ سِنِينَ، ثُمَّ صُمَّهُ إِلَيْكَ سَبْعَ سِنِينَ فَأَدِّبْهُ بِأَدْبِكَ فَإِنْ قَبَلَ وَصَلَحَ وَإِلَّا فَحَلِّ عَنْ»؛ کودکت را تا شش سال اول آزاد بگذار، سپس هفت سال او را با خودت داشته باش و به آداب خود، او را



تأدیب کن؛ اگر ظرفیت تربیتی بدنی را داشت و اصلاح شد چه بهتر، در غیر این صورت خودت را به زحمت نینداز. (کلینی، ۱۴۷۰: ۶/۴۶)

۳. موثقه یعقوب بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «الغلام یلعب سبع سنین و يتعلم الكتاب سبع سنین و يتعلم الحلال و الحرام سبع سنین»؛ پسر باید هفت سال بازی کند، هفت سال سواد بیاموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد بگیرد». (نجاشی، ۱۳۶۵: ۹۴)

۴. مرفوعه یونس از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «دع ابنک یلعب سبع سنین و یؤدب سبع سنین و الزمه نفسک سبع سنین فإن أفلح و إلا فإنه ممن لا خیر فیهِ؛ بگذار فرزندت هفت سال اول بازی کند هفت سال او را همراه خود داشته باش، اگر رستگار شد که چه بهتر در غیر این صورت خیری در او نیست. (همان: ۴۶)

۵. روایت محسن از پیامبر: «الولد سید سبع سنین و عبد سبع سنین و وزیر سبع سنین فإن رضیت أخلاقه لإحدى و عشرین و إلا فأضرب علی جنبه فقد أعدزت إلی الله تعالی»؛ کودک تا هفت سالگی سید و آقا، در هفت سال بعدی بنده و اطاعت بردار و در هفت سال سومی وزیر است. اگر فرزند تا بیست سالگی تأدیب شد چه بهتر در غیر این صورت به حال خودش رها کن که تو وظیفه ات را انجام داده ای.» (عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۶)

حضانت شامل نگهداری کودک، غذا دادن به او، خواب او و... است. در این قسمت جا دارد که در مورد بهداشت (غذایی و جسمی) کودک توضیحات لازم را بدهیم.

۲.۴. بهداشت غذایی و جسمی کودک

۲.۴.۱. بهداشت غذایی

بهداشت در تغذیه از مهم ترین ابعاد بهداشت است، زیرا غذا و تغذیه سالم از ارکان اصلی سلامت و پیشگیری از انواع بیماری‌ها به شمار می‌رود. گفته می‌شود پیروی از الگوی تغذیه سالم می‌تواند از حدود ۸۰٪ موارد دیابت، ۳۰ تا ۴۰٪ انواع سرطان‌ها به خصوص



سرطان‌های دستگاه گوارشی و تا ۵۰٪ بیماری‌های قلبی عروقی پیشگیری کند. اینکه چه نوع غذایی می‌خوریم و چگونه و به چه میزان می‌خوریم بر سلامت جسم و روان ما تأثیر به‌سزایی دارد. مصرف زیاد قند، نمک و چربی از یک سو و مصرف اندک سبزی میوه از سوی دیگر در حال حاضر از مهم‌ترین عوامل خطر ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر مانند دیابت، سکته‌های قلبی و مغزی و انواع سرطان‌هاست و تغییر در سنت‌های غذایی گذشته و شیوه‌های جدید زندگی منجر به تغییر در الگوهای غذای شده (عبداللهی، ۱۳۹۶: شماره خبر: ۱۵۹۹۱۰) که نیازمند اصلاح تعدیل می‌باشد. در این میان بهداشت تغذیه کودک که به شدت آسیب پذیر است و نیز در سن رشد قرار دارد. از اهتمام ویژه بر خوردار است.

۲.۲.۴. بهداشت بدن

یکی از مواردی که شامل حضانت می‌شود بهداشت بدن کودک پس از تولد است که شامل شستشو و غسل دادن نوزاد، تراشیدن موی سر او و ختنه کردن فرزندان پسر از جمله اقداماتی است که در راستای بهداشت بدن نوزاد، در آموزه‌های دینی به انجام آن‌ها سفارش شده است. در اینجا به توضیحات آن می‌پردازیم.

۱.۲.۲.۴. غسل دادن نوزاد

یکی از اقدامات بهداشتی‌ای که در آموزه‌های دینی برای فرزندان تازه متولد توصیه شده است غسل دادن اوست. به طور کلی، استحمام، بهترین وسیله برای بهداشت پوست بدن و حفظ شادابی آن است که از زدودن سلول‌های مرده مواد چربی زاید گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست از مهم‌ترین فواید بهداشتی آن به شمار می‌آید. گفته شده که روی پوست بدن قریب دو میلیون منفذ وجود دارد که از طریق آن‌ها پوست مبادله گازی با هوای مجاور دارد که اکسیژن را جذب می‌کند، به طوری که هفت در صد تنفس بدن از این طریق انجام می‌گیرد. علاوه بر این، گازهای سمی و عرق از پوست بیرون می‌رود که در اثر تبخیر دائمی



عرق‌ها خارج از پوست بدن مواد گازی و سمی و کانی آن باقی می‌ماند و مواد گازی و مائی آن تصعید می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۳۲) بنابراین در آموزه‌های دینی روی آن تأکید شده که در راستای سلامت جسمی و بهداشت بدن کودک قابل تبیین است که از امام صادق علیه السلام روایت داریم: «غَسَلُ الْمَوْلُودِ وَاجِبٌ؛ غُسل نوزاد، لازم است». (کلینی، ۱۴۷۰: ۱۳/۲؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۱/۱۰۴)

۴.۲.۲. تراشیدن موی سر نوزاد

تراشیدن موی سر نوزاد (اعم از پسر و دختر) از دیگر اموری است که در تعالیم دینی به آن سفارش شده و چنان که در روایات آمده این عمل نیز در راستای سلامت جسم و بهداشت بدن نوزاد، انجام می‌شود که در این زمینه روایت از امام صادق علیه السلام داریم که می‌فرماید: «واحلق رأسه یوم السابع و تصدق بوزن شعره فضة و اقطع العقیقة جذاوی و اطبخها و ادع علیها رهطا من المسلمین؛ روز هفتم تولد عقیقه کن و سر نوزاد را بتراش و به وزن موی سر او نقره در راه خدا صدقه بده. اعضای بدن عقیقه را قطعه‌قطعه کرده و از آن خوراکی تهیه کن و جماعتی از مسلمین را دعوت کن». (کلینی، ۱۴۷۰: ۶/۲۷)

۴.۲.۳. ختنه پسر نوزاد

ختنه کردن نوزاد پسر از دیگر مواردی است که با رویکرد بهداشت در کانون توجه آموزه‌های دینی قرار گرفته است. در منابع روایی، برای ختنه باب ویژه‌ای اختصاص داده شده و مبحث ختنه در روایات، بیانگر این حقیقت است که ختنه برای نوزاد، کارکرد بهداشتی داشته و در راستای سلامتی و تطهیر نوزاد از آسیب‌های جسمی انجام می‌شود. از نظر علمی نیز توصیه شده است اجتناب از عفونت‌های موضعی بدن و اختلال در روابط زناشویی، فرزند پسر طبق رسوم کشور باید ختنه شود. قرن‌هاست که نوزاد پسر در جوامع اسلامی، با



پیروی از روش بهداشتی ختنه کردن، به تعادل روابط زنا شویی و جلوگیری از بیماری‌های پوستی موفق شده اند و سلامتی خود و خانواده شان را تأمین کرده اند. (نورانی، ۱۳۸۴: ۷)

همچنین رسول خدا ﷺ فرمود: «طَهَّرُوا أَوْلَادَكُمْ يَوْمَ السَّابِعِ؛ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ وَأَسْرَعُ لِنَبَاتِ اللَّحْمِ، وَإِنَّ الْأَرْضَ تَنْجُسُ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا؛ رَوْز هَفْتَم [تَوْلَد]، فرزندتان را [با ختنه] پاک کنید؛ چرا که مایه تمیزی و پاکیزگی بیشتر و رویش شتابنده تر گوشت است و زمین، چهل روز از بول شخص ختنه نشده، آلوده می شود». (کلینی، ۱۴۷۰: ۳۵ / ۶؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۷ / ۴۴۵، ح ۱۷۷۸)

۳.۴. نفقه

«نفقه» در اصطلاح فقهی به چیزی گفته می‌شود که انسان به صورت شرعی، با هزینه زندگی خانواده و یا به صورت فی سبیل الله پرداخت می‌کند. (محمود، بی تا: ۳ / ۴۳۳) و به بیان دیگر نفقه عبارت است از چیزی که برای تأمین زندگی فرد به لحاظ تغذیه، پوشاک، مسکن و... پرداخت می‌شود. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱ / ۳۸۵)

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «قُلْتُ لَهُ مَنْ الَّذِي أُجْبِرُ عَلَيْهِ وَ تَلَزُمُنِي نَفَقَتُهُ قَالَ الْوَالِدَانِ وَالْوَالِدَةُ وَالزَّوْجَةُ».

راوی می‌گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردم: نفقه چه کسی را من باید بدهم و مرا ملزم به نفقه دادن به آن شخص می‌کنید؟ حضرت فرمودند: پدر و مادر، فرزندان و همسر. (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۵۲۵) نفقه در واقع پشتوانه مالی و اقتصادی و اقدامات مربی برای رشد و تأمین نیازهای مادی و جسمانی کودکان است.

اما تفاوت حضانت و نفقه چیست؟ در مسئله اول دانستیم که حضانت نوعی مواظبت و اهتمام تمام شؤن کودک است و رسیدگی به امور زیستی و اقدامات مربوط به تربیت جسمانی وی، از اصلی ترین اقدامات آن تلقی می‌شود، ولی نفقه عبارت است از پرداخت



هزینه‌های جاری در زندگی و نیازهای طبیعی و اولیه که در واقع نفقه مقدمه‌ای برای حضانت است.

شیخ طوسی برای وجوب نفقه یک آیه از قرآن کریم آورده است: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ»؛ هرگز فرزندان تان را از ترس فقر و تنگ دستی به قتل نرسانید، که ما رازق شما و آن‌ها هستیم». (اسراء: ۳۱)

همچنین پرسش دیگر این است که پدر تا کدام سن موظف است که مخارج آن‌ها را تأمین نماید؟ از ظاهر روایتی که بالا ذکر کردیم محدوده سنی خاصی مشخص نشده است، اما بر اساس ارتکاز عقلایی تا زمانی که فرزند استقلال اقتصادی پیدا نکرده است پدر وظیفه دارد که مخارج او را تأمین کند. البته در باره دختر پس از ازدواج قرینه‌ای وجود دارد که نفقه‌اش از عهده پدر ساقط می‌شود، زیرا بر اساس روایات بر عهده زوج می‌شود. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/ ۱۹۹-۱۹۲) و نیز روایت دیگری از امام صادق علیه السلام داریم که می‌فرمایند: «بر پنج نفر زکات داده نمی‌شود، پدر [پدر زکات دهنده]، مادر، فرزند، مملوک و همسر، زیرا آنان عیال و خانواده اویند». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۵۲۵) در این روایت ملاحظه می‌شود که فرزند، مملوک و همسر و والدین از دایره مستحقان زکات خارج می‌شود، و این‌گونه تعلیل می‌شود که اینان عیال و ملازم برای مردند، به همین دلیل مستحق زکات نیستند.

۴.۴. رضاع

یکی از مسائلی که در تربیت جسمانی کودک گنجانیده شده مسئله رضاع و شیردهی کودک است که در فقه در مورد آن دو گونه بحث می‌شود:

۱. حکم تکلیفی رضاع و اینکه مسؤلیت شیر دادن بر عهده کیست؟ و حکمش چیست؟
۲. حکم وضعی رضاع و آثار چون محرمیت که از شیر دادن به نوزاد ناشی می‌شود که این مسوله تنها به بحث حکم تکلیفی می‌پردازد.



«رضاع» در لغت به معنای نوشیدن شیر از پستان حیوان یا زن است (ابن فارس، ۱۳۹۰: ۲۷۹)، اما رضاع معانی متعددی دارد و به معنای شیر دادن هم به کار می‌رود. (فراهیدی، ۱۴۱۶: ۲۷/۱)

این واژه در اصطلاح فقهی و حقوقی تقریباً همین معنا را دارد که عبارت از نوشیدن شیر از پستان زن یا حیوان است. (محقق داماد، ۱۴۰۱: ۲ / ۲۰۰) در فقه شیعه، شیردادن مادر به فرزندش واجب نیست و برای استحبابش ادعای اجماع شده است. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۲۹) اما در فقه عامه مثل مالکی و... برخی آن را واجب و شماری دیگر آن را مستحب می‌دانند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۱ / ۲۲۹)

خداوند در قرآن خطاب به مادران می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّىَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ».

مادران، فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می‌دهند. [این] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و بر آن کس که فرزند برای او متولد شده [پدر]، لازم است خوراک و پوشاک مادر را به طور شایسته [در مدت شیر دادن بپردازد؛ حتی اگر طلاق گرفته باشد] هیچ کس موظف به بیش از مقدار توانایی خود نیست! نه مادر [به خاطر اختلاف با پدر] حق ضرر زدن به کودک را دارد، و نه پدر. و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد هزینه مادر را در دوران شیرخوارگی تأمین نماید]. و اگر آن دو، با رضایت یکدیگر و مشورت، بخواهند کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آنها نیست. و اگر [با عدم توانایی، یا عدم موافقت مادر] خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، گناهی بر شما نیست؛ به شرط اینکه حق گذشته مادر را به طور شایسته بپردازید. و از [مخالفت فرمان] خدا بپرهیزید! و بدانید خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست. (بقره: ۲۳۳)

اساساً این آیه در مقام بیان استحباب شیردهی کامل است، نه بیان حکم اصل رضاع.

همچنین شیر دادن مادران استحباب مؤکد است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ما مِنْ لَبَنِ يَرْضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَهً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ؛ هیچ شیری برای تغذیه کودک از شیر مادرش با برکت تر نیست». (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۵۳) اهمیت شیر مادر و ترجیح آن بر غذاهای دیگر امروزه از نظر علمی امر پذیرفته شده‌ای است. افزون بر آن تجربیات آحاد انسان درباره اهمیت شیر مادر برای نوزاد و نقش آن در رشد جسمانی و آرامش عاطفی نوزاد این نکته را اثبات می‌کند. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/۲۰۴)

اما درباره «شیر آغوز»، برخی معتقدند که نوشیدن اولین شیر مادر به فرزند واجب است، زیرا اگر نوزاد از آن اگر نوزاد از آن نخورد می‌میرد. (شیخ بهائی، ۱۴۲۹: ۲/۲۰۵) ولی این‌گونه ادعا از نظر علمی ثابت نشده است. بنابراین آنچه که از فقه و ادله می‌توان ثابت کرد، این است که شیر دادن مادر یک امر استحبابی است و حتی به لحاظ حقوقی نیز اگر و تبصره و استثنایی وجود دارد و در جایی است که شیر ندادن مادر به کودک موجب ضرر شود که در این صورت الزامی می‌شود. (امامی، ۱۴۰۱: ۵/۱۸۹)

در توضیح نکته‌های مزبور باید یادآور شد که شیر مادر در رشد جسمی کودک تأثیرگذار است و سلامت جسمی به رشد شخصیت و ابعاد روان شناختی و روح کودک کمک می‌کند بر اثر تماس‌های جسمی (در آغوش گرفتن، بوسیدن و...) مادر با کودک در حین شیر دادن، خلأهای عاطفی کودک برطرف و موجب رشد عاطفی وی می‌شود و به عبارتی، در جریان شیر دادن هیجانات خاصی در مادران به وجود می‌آید و توجهات عمیق روحی و مهرآمیز مادر به نوزاد شیرخوار القای قوای روحی از مادر به نوزاد در مراتب کمال ممکنه صورت می‌گیرد. (آیت‌اللهی، ۱۳۷۶: ۸۷)



۴.۴.۱. ویژگی‌های مرضعه

با اذعان به این حقیقت که ویژگی‌های شخصی و جسمی مرضعه (شیر دهنده) اعم از مادر یا شخصی دیگر، از طریق شیر به کودک منتقل می‌شود، در روایات سفارش شده که توجه ویژه در انتخاب مرضعه داشته باشید. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «أَنْظُرُوا مَنْ تُرَضِّعُ أَوْلَادَكُمْ؛ فَإِنَّ الْوَالِدَ يَشْبُ عَلَيْهِ»؛ دقت کنید که چه کسی فرزندان شما را شیر می‌دهد؛ زیرا کودک با شیر رشد می‌کند. (کلینی، ۱۴۷۰: ۶/۴۴) دقت داشته باشید چه کسی فرزندان‌تان را شیر می‌دهد چرا که فرزندان‌تان بر بنیاد همان شیر پرورش و رشد می‌یابد.

۴.۴.۱.۱. زیبا بودن مرضعه

در برخی روایات در مورد خصوصیات زن شیرده سخن گفته شده که بر زیبایی مرضعه تأکید شده است. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِسْتَرَضِعْ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحَسَنِ وَإِيَّاكَ وَالْقَبِيحَ فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يَعْدِي»؛ زنان زیبا روی را به دایگی فرزندان انتخاب کن و از گزینش زنان زشت روی بپرهیز، زیرا شیر مرضعه در کودک تأثیر دارد. (کلینی، ۱۴۷۰: ۶/۴۴)

۴.۴.۱.۲. خودداری از گزینش مرضعه کم توان ذهنی

برای پیشگیری از انتقال ویژگی مرضعه به کودک از طریق شیر، در بعضی روایات سفارش شده، زنانی که دچار کم توان ذهنی (جنون و حماقت) هستند نباید برای شیر دادن انتخاب کنید؛ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لَا تَسْتَرْضِعُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يَعْدِي، وَإِنَّ الْغُلَامَ يَنْزَعُ حَدِيثَ إِلَى اللَّبَنِ؛ يَعْنِي إِلَى الظُّرِّ فِي الرَّعُونَةِ حَدِيثَ وَالْحُمَقَ».

از زن احمق، درخواست شیر دادن [به فرزند] نکنید، چرا که شیر [ویژگی‌های دایه را] سرایت می‌دهد و فرزند، شباهت به [صاحب] شیر می‌برد؛ یعنی در حماقت و نادانی،

همانند دایه می‌شود. (کلینی، ۱۴۷۰: ۶/ ۴۳؛ طوسی، ۱۳۶۵: ۸/ ۱۱۰؛ شیخ صدوق،

۱۳۶۳: ۳/ ۴۷۸)

۴.۵. تربیت بدنی

تحركات بدنی یکی از نیازهای اصلی دوران کودکی و پیش نیازهای رشد جسمی و شخصیتی کودکان به شمار می‌آید. برپایه همین نیاز طبیعی است که کودکان به طور فطری و غریزه‌ای به بازی و تحركات جسمی علاقه مندند. فعالیت‌های بدنی و تفریحات سالمی در قالب ورزش انجام می‌پذیرد. افزون بر شخصیت و ابعاد روانی کودک نیز تأثیرگذار است، یعنی فعالیت‌های مزبور اگر به صورت هوشمندانه ساماندهی شوند، در ایجاد منش‌های شایسته، جامعه‌پذیری، آزاداندیشی، هم‌پذیری و شادابی وی نقش ایفا می‌کند. به همین دلیل آموزه‌های دینی بر رشد متوازن کودک نظر دارد و به صورت عام و خاص به فعالیت‌های بدنی کودکان نظیر بازی و ورزش اهمیت داده و وظایفی برای والدین و مربیان در این باره تعیین کرده است. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۲۹-۲۳۰)

همچنین در قرآن داریم: «مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ». (مائده: ۳۲)

به همین جهت، بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته و هر کس، انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. و رسولان ما، با دلایل روشن برای ارشاد آن‌ها آمدند، اما بسیاری از آن‌ها، پس از آن در روی زمین، تعدی و اسراف کردند.

بر مبنای صریح این آیه نجات جان یک فرد، به دلیل اهمیت حفظ جان، به مثابه حیات بخشیدن به همه انسان‌ها لحاظ می‌شود، همان طوری که کشتن یک نفس محترمه به سبب



مذمومیت و شدت حرمت این عمل، همسان کشتن کل نفس می‌شود، روشن است که حفظ جان انسان بدون حفظ جسم امکان ندارد یکی از راهای محافظت جسم تمرین بدنی است. بنابراین حکم این آیه شریفه، تمرین بدنی را در مورد صیانت از حیات جسم انسان را در بر می‌گیرد. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۳۴)

نیز در قرآن آیه دیگری داریم که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا». ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه تجارتي باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)، و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان است. (نساء: ۲۹)

در این آیه شریفه از کشتن انسان به وسیله خودش نهی شده است که بر وجوب صیانت از جان، توسط خود شخص دلالت دارد، بنابراین هر نوع فعالیت جسمی، مانند تمرینی بدنی که موجب صانت از جان انسان و به تبع آن موجب حفاظت جسم شود، دارای حکم الزامی وجوب است چنانکه اگر ترک این فعالیت‌های جسمی به مرگ منجر شود، از باب القای در تهلکه دارای حکم الزامی تحریمی خواهد بود. (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱/ ۲۴۴)

نتیجه:

دوران کودکی یکی از دوره‌های سرنوشت‌ساز کودک است. در این مرحله باید کودک به طور صحیح تربیت شود که یکی از آن‌ها تربیت جسمانی است که والدین موظف است تمام نیازهای مادی و معنوی کودک را برطرف نمایند تا زمینه رشد و کمال‌یابی استعدادهای کودک فراهم گردد. همچنین اسلام یک سری وظایفی را برای والدین در مقابل کودک ایجاد نموده که شامل رضاع، نفقه، حضانت و تمرین بدنی است. در قدم نخست کودک حق دارد که از شیر مادر خود تغذیه نماید و آنچه بر پدر از باب وجوب نفقه، الزام‌آور است، فراهم آوری غذای مناسب است که کودک به وسیله آن به طور متعارف رشد کند و نیازهای مادی اش برآورده شود؛ چه با شیر مادر و غیر از شیر مادر، و نیز با در نظر گرفتن تأثیرگذاری شیر مرضعه در وضعیت جسمی کودک به برخی ویژگی‌های مرضعه اشاره شده است. به همین دلیل گزینش مرضعه زیبا دارای حکم رجحانی استجابی است که با اذعان به این حقیقت که آسیب‌های ذهنی و فکری ریشه زیستی و جسمی دارد برای پیشگیری از سرایت کم‌توانی ذهنی و کم‌بینایی به کودک، انتخاب مرضعه کم‌توان ذهنی و کم‌بینا از منظر فقه مرجوح و مکروه به شمار می‌آید.

همچنین حضانت و نیز تأمین نفقه تا زمانی که فرزندان به استقلال اقتصادی برسند برای والدین واجب است. بر والدین لازم است تمرین بدنی را به کودک یاد دهد و در این مورد کوتاهی نکنند. چون در جامعه امروزی کم‌تحركی و تغذیه ناسالم خیلی از امراض ناعلاج را به وجود آورده است. والدین باید همیشه فرزندان خود را به بهداشت جسمی، بهداشت غذایی، بهداشت محیطی و... توصیه نمایند و آن‌ها را به غذاهای مضرّ عادت ندهد و همیشه کوشش کنند که از الگوهای غذای خوب و مفید استفاده نمایند؛ مثلاً از غذاهای قندی، چربی‌دار و سرخ شده استفاده نکنند و همیشه از سبزیجات و میوه‌جات استفاده نمایند.



قرآن کریم

نهج البلاغه (ترجمه محمد دشتی)

۱. ابن حجاج، مسلم (۱۴۱۲)، صحیح مسلم، قاهره: دارالحدیث.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۰)، معجم مقاییس اللغه، مصر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دارالصادر.
۴. اتماروایس (۱۳۸۹)، مبانی جامعه‌شناسی ورزش، ترجمه کرامت الله راسخ، تهران: نی.
۵. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۵)، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، قم: ناشر موسسه فرهنگی هنری اشراق و عرفان.
۶. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، فقه تربیتی، ج ۲، قم، انتشارات موسسه اشراق و عرفان.
۷. امامی، میرسیدحسن (۱۴۰۱)، حقوق مدنی، ج ۴۰، تهران، اسلامیه.
۸. انصاری، مرتضی (۱۳۸۶)، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ج ۲، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم‌السلام.
۹. انورالخولی، امین (۱۳۸۳)، ورزش و جامعه، ترجمه حمیدرضا شیخی، تهران: سمت.
۱۰. انوری، حسن (۱۳۷۸)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، سخن.
۱۱. آیت اللهی، سید محمدتقی (۱۳۷۶)، نگرشی تغذیه از دیدگاه اسلام، مجله مشکوه، ش ۱۹-۱۸.
۱۲. پاکنهاد، سید محسن (۱۳۹۵)، تربیت فرزند با الهام از آیات و روایات، چ ۱، تهران: کسرا.





۱۳. حاجی ده آبادی، محمدعلی (۱۳۷۷)، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (معروف به وسائل الشیعه)، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۵. حسینی ادیانی، ابوالحسن (۱۳۷۹)، آشنایی با نظام تربیتی اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵)، معارف و معاریف، تهران: آرایه.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲)، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چ ۱، بیروت: دارالعلم الدرالشامیه.
۱۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهش در اعجاز علمی قرآن، قم: کتاب مبین.
۱۹. زحیلی، وهبه (۱۳۹۴)، فقه خانواده در جهان معاصر، چ ۵، ترجمه عبدالعزیز سلیمی، تهران: احسان.
۲۰. شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۴۲۹)، جامع عباس و تکمیل، چ ۱، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. صفورایی پاریزی، محمد مهدی (۱۳۸۹)، نقش حقوق در کار آمدی خانواده از دیدگاه اسلام، تهران: معرفت.
۲۲. طاهرینیا، احمد (۱۳۸۹)، پژوهش در حضانت کودک در اسلام، چ ۱، تهران: مؤسسه آموزشی امام خمینی علیه‌السلام.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن حسن (۱۴۱۶)، کتاب العین، چ ۲، قم: هجرت.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۷۰)، الکافی، مصصح: علی‌اکبر غفاری، چ ۴، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۵. لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۹۴)، ترمینولوژی حقوق، چ ۲۷، تهران: گنج دانش.



۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۱)، قواعد فقه، چ ۴، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۲۸. محمدیان، بهرام (۱۳۹۰)، نگاهی دیگر به حقوق فرزندان از دیدگاه اسلام، چ ۴، تهران: انجمن اولیاء و مربیان.
۲۹. محمود، عبدالرحمن (بی تا)، معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیه، مندرج در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت نسخه ۱/۲.
۳۰. نجاشی، ابوالحسن، احمد بن علی بن احمد (۱۳۶۵)، رجال نجاشی، چ ۶، قم: جامعه المدرسین فی حوزه العلمیه بقم.
۳۱. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. نورانی، مصطفی (۱۳۸۴)، دایرة المعارف بزرگ طب اسلامی، چ ۱، قم: ارمغان یوسف.
۳۳. وزیرى، مجید (۱۳۸۷)، حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام و موارد تطبیقی، چ ۲، تهران: چاپ و نشر بین الملل.